بررسی اسناد فوق‌محرمانه آمریکا افشا کرد

تحرکات نظامی چین در امارات

بر اساس اسناد فوق‌سری، سرویس‌های جاسوسی آمریکا در ماه دسامبر گذشته متوجه ازسرگیری ساخت‌وسازها در یک تأسیسات نظامی مشکوک چینی در امارات عربی متحده شده‌اند. ساخت‌وسازها یک سال پس از آن از سر گرفته شده که امارات، متحد منطقه‌ای ایالات متحده، اعلام کرده بود که این پروژه را به دلیل نگرانی‌های آمریکا متوقف می‌کند. این ساخت‌وسازها در بندری در نزدیکی ابوظبی انجام می‌شود و گفته می‌شود که ارتش چین نیز در آن مشارکت دارد. بررسی اسناد توسط واشنگتن‌پست همچنین نشان داد که مشاهده پرسنل نظامی چین در اطراف دیگر سایت‌های حساس ساختمانی در امارات نیز مقامات آمریکایی را نگران کرده است. در یکی از این اسناد ادعا شده که تلاش‌های پکن در امارات عربی متحده، بخشی از کارزار جاه‌طلبانه ارتش چین برای ایجاد یک شبکه نظامی جهانی است که شامل حداقل پنج پایگاه خارجی و ۱۰ سایت پشتیبانی لجستیکی تا سال ۲۰۳۰ میلادی می‌شود که عمدتا نیز در خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی و سراسر آفریقا هستند. بر اساس منابع درزکرده، مقامات ارتش چین این طرح را «پروژه ۱۴۱» می‌نامند. این اسناد همچنین شامل جزئیات برنامه نظارت هوایی پکن و برنامه‌های توسعه پهپادهای مافوق صوت این کشور است و زمانی پرده از فعالیت‌های چین برمی‌دارد که تنش میان پکن و واشنگتن رو به افزایش است و هم‌زمان هر دو کشور در تلاش برای گسترش نفوذ خود بر جهان و دسترسی بیشتر بر منابع جهانی هستند. مطالعه اسناد همچنین نشان داده که در میان مقامات آمریکا اتفاق نظری درباره میزان نگرانی از فعالیت‌های چین در امارات وجود ندارد؛ برخی این برنامه‌ها را قابل مدیریت می‌دانند و برخی دیگر تهدیدی قابل توجه تعبیر می‌کنند که می‌تواند به‌طور جدی به منافع ایالات متحده آسیب بزند. همچنین در مورد اینکه آیا امارات تصمیمی استراتژیک برای همسویی عمیق با چین گرفته یا در جریان این مشارکت، به همکاری‌هایش با آمریکا و حفظ تعادل میان بازیکنان بین‌المللی توجه دارد نیز اجماعی وجود ندارد. تلاش چین برای گسترش نفوذ جهانی خود به‌ویژه در ماه‌های اخیر بسیار برجسته بوده است؛ به‌ویژه در موضوع میانجیگری برای نزدیکی عربستان سعودی و ایران و ارائه یک طرح صلح ۱۲ماده‌ای برای حل‌وفصل جنگ در اوکراین.

در واکنش به انتشار این گزارش، لیو پنگیو، سخنگوی سفارت چین در واشنگتن، گفت نگرانی‌های ایالات متحده درباره تأسیسات نظامی چین در خارج از این کشور نابجاست و به‌عنوان یک اصل، «چین همکاری‌های قانونی و امنیتی با دیگر کشورها بر اساس برابری و تضمین منافع متقابل را ادامه می‌دهد». او با اشاره به اینکه ایالات متحده نیز بیش از ۸۰۰ پایگاه نظامی در خارج از کشور دارد که باعث نگرانی بسیاری از کشورها شده است، گفت: «بنابراین آمریکا در جایگاهی نیست که از دیگر کشورها انتقاد کند». با این وجود، مقامات آمریکایی تأکید می‌کنند که اجازه نمی‌دهند یک پایگاه چینی در امارات عربی متحده عملیاتی شود و می‌گویند که چنین تأسیساتی، فعالیت‌های نظامی حساس ایالات متحده در خاورمیانه را به خطر می‌اندازد؛ به‌ویژه آنکه به گفته یکی از مقامات کاخ سفید «امارات عربی متحده یک متحد نزدیک است و ما مرتب با مقامات آن کشور درباره بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهانی در حال مراوده هستیم». یکی از اسناد فاش‌شده نیز درباره یک سایت ذخیره‌سازی لجستیک است و گمان می‌رود که بخشی از طرح پکن برای ایجاد پایگاه نظامی در امارات باشد. علاوه بر این، شماری از ارتش چین نیز در دو پایگاه نظامی امارات در داخل کشور مشاهده شده‌اند؛ یعنی جایی که محل استفاده از پهپادها و سامانه‌های دفاع موشکی بالستیک محسوب می‌شود. سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا همچنین بر این باورند که احتمالا شماری از پرسنل ارتش چین در یک پروژه ساخت و توسعه یک باند هوایی در سواحل ابوظبی مشارکت دارند. بندر خلیفه امارات نیز بخشی از شبکه‌ای گسترده با بیش از صد بندر و پایانه تجاری استراتژیک است که چین در سراسر جهان در آنها سرمایه‌گذاری کرده است. کامیل لونز، از مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، ضمن تأیید بخشی از این نگرانی‌ها می‌گوید: «گسترش جای پای چین در بنادر جهان، جمع‌آوری اطلاعات درباره تحرکات و فعالیت‌های نظامی ایالات متحده را آسان می‌کند؛ به‌ویژه آنکه طبق قانونی که در سال ۲۰۱۷ میلادی در چین تصویب شد، حتی شرکت‌های تجاری چینی هم موظف هستند در صورت درخواست، اطلاعات خود را با ارتش به اشتراک بگذارند». از نظر تحلیلگران همچنین در صورت نفوذ و حضور بیشتر چین در این منطقه، قدرت پکن نیز برای نظارت و مداخله در فعالیت‌های نظامی و تجسسی آمریکا و حتی تأثیرگذاری بر تصمیمات واشنگتن برای جابه‌جایی یا استفاده از نیروهایش بیشتر می‌شود. علاوه بر امارات، مقامات آمریکا توانسته‌اند مناطق دیگری همچون سنگاپور، اندونزی، پاکستان، سریلانکا، کنیا، تانزانیا و آنگولا را نیز به‌عنوان مکان‌هایی که احتمالا در آنجا بنادر چین دارای کاربری دوگانه هستند، شناسایی کنند؛ بنادری که بر اساس گزارش سال ۲۰۲۰ پنتاگون به کنگره، پکن را به‌طور بالقوه قادر می‌کند «هم در عملیات نظامی ایالات متحده دخالت کند و هم از عملیات تهاجمی پشتیبانی کند». اگرچه در دیگر نقاط جهان ازجمله در اروپا بعید است امکانات بندری در خدمت فعالیت‌های نظامی درآید؛ چراکه کشورهای میزبان هرگز با چنین کاری موافقت نمی‌کنند، اما جاده ابریشم دریایی چین می‌تواند برای این کشور مزایای چندگانه‌ای داشته باشد. اسناد فاش‌شده گزارش‌هایی از فعالیت‌های چین در سایر نقاط جهان نیز ارائه داده؛ ازجمله اینکه یک گروه کاری چینی قصد داشته است، در ماه فوریه از گینه استوایی و گابن بازدید کند تا به این کشور در اجرای پروژه‌ای با هدف ایجاد یک مرکز آموزشی مشترک و آموزش پرسنل گینه استوایی در مورد تجهیزات ارتباطی کمک کند. با این وجود چنین گزارش‌هایی به اندازه گزارش امارات، زنگ خطر را برای واشنگتن به صدا درنیاورده است؛ چراکه هیچ‌کدام از آنها به اندازه ابوظبی به آمریکا نزدیک نبوده‌اند. امارات از سال ۲۰۱۲ میلادی سومین خریدار بزرگ تسلیحات ایالات متحده در جهان است و نیروهای مسلح این کشور در کنار نیروهای آمریکایی در افغانستان، عراق و سوریه جنگیده‌اند. این کشور همچنین میزبان پنج هزار پرسنل نظامی آمریکایی در الظفره و کشتی‌های جنگی آمریکایی در بندر جبل علی است.

آیا ایالات متحده همچنان در پی نفوذ در افغانستان است؟

بهروز ایاز: خروج ایالات متحده از افغانستان در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱ این پیام را به جهانیان رساند که افغانستان در خاورمیانه از محور سیاست‌های آمریکا خارج شده و در پی تمرکز بر شرق آسیا برای کنترل چین است. جو بایدن در یک نطق تلویزیونی اعلام کرد: «افغانستانی‌ها باید اراده برای جنگیدن داشته باشند. آنها باید برای ملت خود بجنگند». او هدف آمریکا در این جنگ ۲۰ ساله را مبارزه با تروریسم و کشتن بن‌لادن دانست که محقق شد. بااین‌حال، یک سال پس از این واقعه، حملات راکتی آمریکا با پهپاد در خاک افغانستان صورت گرفت. در دوم آگوست ۲۰۲۲، بایدن اعلام کرد ایمن الظواهری، شخص اول القاعده و نزدیک‌ترین دوست اسامه بن‌لادن، با پهپاد در کابل کشته شده است. کمی پس از آن، ملایعقوب، سرپرست وزارت دفاع حکومت طالبان نیز در ۲۸ آگوست اعلام کرد: «پهپادهای آمریکایی از خاک پاکستان وارد افغانستان شده‌اند تا به این کشور حمله کنند». از سویی دیگر در آوریل ۲۰۲۳ برخی از نمایندگان جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آمریکا با انتقاد از خروج آمریکا از افغانستان، خواستار استیضاح وزیر دفاع این کشور شدند و از وزیر امور خارجه خواستند توضیحی صریح در این زمینه ارائه دهد. اکنون این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا افغانستان همچنان برای ایالات متحده مهم است؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است وقایع مربوط به سیاست خارجی آمریکا در افغانستان و حتی خاورمیانه را از نگاه یک انسان شرقی و شهروند خاورمیانه دید. پس باید کمی به عقب‌تر برگردیم؛ یعنی زمانی که آمریکا به افغانستان حمله کرد. چرا آمریکا به افغانستان حمله کرد؟ برای کشتن بن‌لادن؟ مبارزه با تروریسم؟ دولت-ملت‌سازی در افغانستان؟ یا ایجاد دموکراسی؟ قطعا هیچ‌کدام. پذیرش این فرضیات اگرچه شاید نزد غربی‌ها مسلم باشد، برای یک شهروند خاورمیانه‌ای منطقی نیست. سخت است که بپذیریم ایالات متحده با هزینه‌کردن ۲،۲۶ تریلیون دلار و ازدست‌دادن حدود دوهزارو ۵۰۰ سرباز خود، دغدغه ایجاد دموکراسی و دولت-ملت‌سازی برای افغانستان را داشته است. یا برای مبارزه با تروریسم (به زعم آمریکایی‌ها و تعریف خودشان از تروریسم) به مدت هفت‌هزارو ۲۶۲ روز وارد جنگ شود. پس انگیزه واقعی ایالات متحده در افغانستان چه بوده است؟ بی‌شک پاسخ‌دادن به این سؤال ما را در پاسخ به سؤال اصلی مقاله راهنمایی خواهد کرد. بعد از فروپاشی شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، نیمکره شرقی دچار خلأ هژمونی شد؛ اگرچه ایالات متحده به‌عنوان هژمون نیمکره غربی همچنان وجود داشت. تأکید جان میرشایمر، اندیشمند علوم سیاسی و نظریه‌پرداز آمریکایی، بر هژمون منطقه‌ای و خلأ هژمون در نیمکره شرقی، ایالات متحده را ناگزیر به اجرائی‌کردن این تئوری دانست؛ چراکه بنا بر این تئوری، اگر قدرتی بتواند هژمونی این بخش از جهان را به دست گیرد، خیالش از بابت هژمونی جهانی آسوده خواهد بود. می‌توان گفت حمله آمریکا به افغانستان بخش مهمی از این پروژه بود یا بهتر است بگوییم تحت تأثیر قراردادن و وابسته‌کردن نظم و امنیت نیمکره شرقی به خود.

علاوه بر این، افغانستان چهارراه جهان شرق است؛ همانند پلی که چهار منطقه آسیا را به هم متصل می‌کند. آسیای مرکزی را به جنوب آسیا و خاورمیانه را به شرق آسیا متصل می‌کند. از سوی دیگر با حضور در افغانستان می‌توان به چهار قدرت هسته‌ای و دو اقتصاد بزرگ آسیا (چین و هند) نزدیک بود. هم‌مرزبودن با چین و جمهوری اسلامی ایران برای کنترل آنها و همچنین حیاط‌خلوت روسیه از دیگر اهمیت جایگاه ژئوپلیتیکی افغانستان است. پس چه کشوری بهتر از افغانستان برای حمله؟ چه‌بسا اینکه حضور القاعده در این کشور می‌توانست توجیه مناسبی برای مشروعیت‌بخشیدن به حمله این کشور به افغانستان داشته باشد. پس مبارزه با کمونیسم جای خود را به مبارزه با تروریسم داد. تا اینجا بخشی از معمای ما حل شده، اما بخش مهم این پازل حل نشده است. به عبارت دیگر ما با این سؤال مواجه هستیم که اگر افغانستان تا این اندازه برای واشنگتن حائز اهمیت بود، چرا از آن خارج شد؟

در این زمینه می‌توان سه تحلیل ارائه داد: اول؛ برخی معتقدند ایالات متحده در پی «مدیریت دیجیتالی» خاورمیانه و افغانستان است. «حضور ایالات متحده در افغانستان و همچنین عراق از نظر مالی و جانی و همچنین مخاطرات امنیتی برای نیروهای آمریکایی پرهزینه بود». چه‌بسا واشنگتن می‌تواند با پهپادهای خود همان اعمال قدرت را در افغانستان با هزینه‌ای بسیار کمتر داشته باشد. از این‌رو تلاش این کشور برای ایجاد پایگاه نظامی در پاکستان، در این راستا شایان ارزیابی است. تحلیل دوم؛ می‌توان گفت ایالات متحده با خروج از افغانستان و عراق در پی به‌هم‌ریختن نظم امنیتی نیمکره شرقی است. بعد از برقراری نظم نسبی و وابسته‌کردن نظم نیمکره شرقی به خودش، این کشور تلاش دارد با خروج خود، نظم امنیتی شرق را از تعادل خارج کند. به عبارتی «شرق را در شرق گرفتار کند» و مانع از بالفعل‌شدن دو هژمون بالقوه شرق (چین و روسیه) شود. پس با گرفتارکردن این دو مدعی هژمونی در باتلاق افغانستان، زمینه زوال آنها را فراهم کند. تحلیل سوم مربوط به کنترل چین است. خروج دوهزارو ۵۰۰ تا سه‌هزارو ۵۰۰ نیروی نظامی آمریکایی از افغانستان و معطوف‌کردن توجه و تمرکز کامل خود به چین، عامل مهم خروج واشنگتن از افغانستان بود. آمریکا به خوبی می‌دانست که حضورش در افغانستان موجب امنیت پروژه «یک کمربند یک جاده» چین و حضورش در خاورمیانه موجب امنیت ترانزیت انرژی چینی‌ها شده است. چیزی که از آن با نام «سواری مجانی چین» نام می‌برند. مهم است بدانیم که سرمایه‌گذاری چین بر پروژه فوق، پکن را بیش از پیش به خاورمیانه نزدیک کرده است که در این میان، امنیت تأمین‌شده از سمت ایالات متحده در افغانستان و خاورمیانه در اینجا تأثیرگذار بوده است. از سویی دیگر، چین اخیرا به تهدید فزاینده‌ای برای ایالات متحده در دریای جنوبی چین تبدیل شده است؛ بنابراین خروج آمریکا از افغانستان و خاورمیانه و تمرکز بر شرق آسیا برای کنترل چین و حمله احتمالی آن به تایوان لازم بوده است.

بااین‌حال به نظر می‌رسد هر سه تحلیل درست است. حال می‌توان تکه آخر و مهم پازل را تکمیل کرد؛ آیا افغانستان همچنان در محور سیاست خارجی واشنگتن است؟ پاسخ به این سؤال، خیر است؛ چراکه ایالات متحده میوه خود را از درخت افغانستان چیده است. به عبارت ساده‌تر، حضور بیشتر نظامی آمریکا در افغانستان، دیگر در راستای استراتژی این کشور نبود؛ یعنی بیش از آنکه برایش مثمرثمر باشد، اتلاف وقت و هزینه بود. واشنگتن در پی وابسته‌کردن نظم شرق به خود و سپس به‌هم‌ریختن آن بود. خروج آن نیز افغانستان را به باتلاقی برای چین و روسیه کرد. بدیهی است دو کشور اخیر نمی‌توانند نسبت به تحولات افغانستان بی‌تفاوت بمانند. چه‌بسا اینکه رژیم طالبان می‌تواند تحرکات مسلمانان استان سین‌کیانگ چین و افراط‌گرایان آسیای مرکزی را بیش از پیش فعال کند. از سویی دیگر، حملات پهپادی آمریکا در افغانستان بیشتر در جهت مصرف داخلی افکار عمومی خود و جهانیان است تا نشان دهد این کشور همچنان به تروریسم در افغانستان حساس است. فشار گروه‌های حقوق‌بشری و فمینیستی از دیگر دلایل این اقدامات واشنگتن است. مواضع تند جمهوری‌خواهان علیه اقدام دولت بایدن در خروج از افغانستان نیز در راستای تبلیغات انتخاباتی سال آینده شایان ارزیابی است. یکی از محورهای مهم در مناظرات انتخاباتی این کشور، مسئله افغانستان خواهد بود که جمهوری‌خواهان درصدد بهره‌برداری از آن با بهانه‌های حقوق‌بشری خواهند بود.

ادامه از صفحه اول

اشتغال یا سرِکاری؟

یکی از همین موارد که عمری کوتاه داشت و امروزه کمتر از آن استفاده می‌شود، ضرب‌المثل «دوزاریش دیر می‌افتد» یا «دوزاریش نمی‌افتد» یا این پرسش از مخاطب که «دوزاریت افتاد؟» است، که از تلفن‌های سکه‌ای سابق، وام گرفته شده بود. در تلفن عمومی‌های قدیم، تا دو ریالی نمی‌انداختیم و صدای بوق آزاد نمی‌شنیدیم، امکان تماس و ایجاد ارتباط به وجود نمی‌آمد و وقتی درباره کسی می‌گفتیم دوزاریش نمی‌افتد؛ یعنی امکان ایجاد ارتباط با او فراهم نیست و هرچه بگوییم، به دلیل همین قطع‌بودن ارتباط، انگار اصلا صحبت ما را نمی‌شنود که حالا اصلا متوجه بشود چه می‌گوییم یا نه. یکی از همین عبارات مَثَل‌گونه که این سال‌ها و به‌ویژه پس از انقلاب کاربرد بسیاری در محاورات پیدا کرده، عبارت «سرِکاری» است، که اشاره به مشغول‌بودن به امری بیهوده و بی‌ثمر دارد. یک چیزی مثل «آب در هاون کوبیدن»، با این تفاوت که وقتی می‌گوییم فلانی آب در هاون می‌کوبد، بیشتر به این اشاره دارد که خودش این را انتخاب کرده و به اختیار مشغول انجام عملی است که نتیجه‌ای ندارد؛ ولی وقتی می‌گوییم «فلانی سرِ کار است»، اشاره به این دارد که شخصی یا اشخاصی او را مشغول یک کار بیهوده کرده‌اند یا حتی او را مشغول یک کار بیهوده نکرده‌اند؛ بلکه فقط تصور یک کار را در ذهن او به وجود آورده‌اند و به واقع، ذهن او را درگیر چیزی که اصلا وجود ندارد، کرده‌اند. یک نوع مشغولیت ذهنی بی‌حاصل و بی‌سرانجام که گاهی ممکن است حتی برای فرد «سرِ کار» رفته، خیلی هم مهم به نظر برسد و وقت و حتی هزینه هم برای او بتراشد؛ ولی نهایتا انگار «گره بر باد» زده است. در هر صورت، این فرهنگ عامه که ناشی از تجربیات مشترک سالیان انسان‌هاست، گاهی به موجزترین شکل، واقعیتی را بیان می‌کند که حتی نمی‌توان با نوشتن و انتشار چندین و چند یادداشت و مقاله و کتاب، موضوع را به آن روشنی توصیف کرد. هفته پیش در جایی خواندم که وزیر کار گفته «ما وعده یک میلیون فرصت شغلی دادیم و نه یک میلیون افزایش شاغلان». به گمان من این گفته از جهات مختلفی قابل بررسی است. اول اینکه، افزایش شاغلان را هر ساله می‌توان با مراجعه به آماری که سازمان آمار منتشر می‌کند، به دست آورد و سازمان آمار هم براساس متر و معیاری معلوم و مشخص، این کار را انجام می‌دهد که تاکنون هم چنین کرده و برای کسانی که کار آماری و پژوهشی می‌کنند، این آمار هم در دسترس و هم مورد وثوق است. حال لازم است جناب وزیر معلوم کند که قرار است این «یک میلیون فرصت شغلی» را براساس کدام متر و معیار و در کجا به دست آورد و چگونه به صحت آن پی برد؟ من تخصصی در آمار ندارم؛ ولی سعی کردم برای این سخن وزیر در سایت سازمان آمار، به‌عنوان مرجع تخصصی و صاحب صلاحیت، جست‌وجو کنم تا ببینم چگونه می‌توان سخن ایشان را با ارائه آمار، مستند کرد؟ مثلا در سایت سازمان آمار برای نرخ بی‌کاری افراد بالای ۱۵ سال آمده که «در زمستان ۱۴۰۱ نرخ بی‌کاری جمعیت ۱۵ساله و بیشتر ۹،۷ درصد» بوده؛ ولی هرچه جست‌وجو کردم، هیچ عدد و رقمی برای «فرصت شغلی» مورد اشاره وزیر نیافتم؛ و موضوع این است که این فرصت شغلی که جناب وزیر می‌گوید، چگونه راستی‌آزمایی خواهد شد و اصلا چرا گفته‌اند یک میلیون فرصت شغلی؟ خوب چرا نگفتند دو میلیون یا سه میلیون؟ وقتی نشود صحت‌وسقم یک عدد را سنجید، کمتر یا بیشترش چه فرقی می‌کند؟ آیا این سخن جناب وزیر به آن معناست که اگر افراد شاغل نشدند، تقصیر خودشان است که از فرصت‌ها استفاده نمی‌کنند؟ در هر صورت این سخن شاید بیشتر به «سرِکاری» شبیه است تا ایجاد اشتغال، همان‌طور که الان در ساعت ۴:۴۵ بامداد روز جمعه که این یادداشت را می‌نویسم، و بعد از ساعت‌ها جست‌وجو برای یافتن آماری که این سخن وزیر را بتوان مستند کرد، با همان تعبیر عامیانه، گویی سرِ کار رفته‌ام و این خود احتمالا یکی از همان یک میلیون فرصت شغلی مدنظر ایشان است.

روایت سی‌وچهارمین نماز جمعه شهر امید

چقدر برای همدردی و به رسمیت شناختن دغدغه‌ها و مطالبات‌شان کنارشان بوده‌ایم؟ روزگاری مردم به دامن امن و مستحکم روحانیون پناه می‌برده‌اند، درنگ کنیم و بیندیشیم که تا اینجا درست عمل کرده‌ایم؟ باید از خودمان صادقانه بپرسیم چرا مردم به ادامه این راه درست، اعتماد و باور ندارند؟

حجت‌الاسلام منصف در ادامه خطبه‌های دوم نماز جمعه شهر امید گفت: متأسفانه امروز هیچ‌کدام از کسانی که برای بیان دغدغه‌ها و انتقادات‌شان دعوت کرده بودیم، حاضر نشدند. یکی از آقایان سرمایه‌گذار و کارآفرین شهر هم که قبلا اعلام آمادگی کرده بود به دلیل گرفتاری که در پلمب رستوران و کافه‌اش برایش ایجاد شده بود از حضور در این تریبون انصراف داد.

از خداوند بزرگ توفیق‌مان در خدمتگزاری به این مردم صبور و نجیب و همچنین خدمتگزاری واقعی به آزادی، حقیقت و عدالت را خواستارم. خودم و شما را به مدارا، رحم و مروت و انصاف با یکدیگر توصیه می‌کنم.

آگهی مزایده اتومبیل

به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۱۰۱۷۳۹ با موضوع وصول طلب ۱۱۴ عدد سکه طلا تمام بهار ازادی که منجر به توقیف سیستمی و فیزیکی یک دستگاه اتومبیل پژو ۴۰۵ به شماره پلاک انتظامی ۷۵۳/۸۲ ن ۸۲ متعلق به اقای حمید رضا اسمعیلی کارمزدی نام پدر عابد شماره شناسنامه ۲۲۵۰۰۷۰۲۳۷ شماره / شناسه ملی ۲۲۵۰۰۷۰۲۳۷ متولد ۱۳۷۲/۰۳/۰۱ به نشانی قائم شهر مطهری محله – اندیشه ۴۳ گردید و خودروی فوق واقع در پارکینگ رضا زاده جاده کیاکلا توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی و قطعی گردید که طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده و مشخصات اجمالی ان بشرح ذیل می باشد مدل ۱۳۸۸ رنگ نقره ای دو محور ۴ چرخ شماره موتور ۸۸۱۸۰۰۰۴ و شماره شاسی ۱۲۸۷۹۸۴۹ Aکه از اتومبیل به مشخصات فوق در پارکینگ رضا زاده محور کیا کلا بازدید که اثار تصادف بتونه در سمت چپ عقب مشهود است از ساعت ۹ الی ۱۲ چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ در اداره ثبت اسناد و املاک قائمشهر واقع در قائمشهر خ جویبار نبش کوچه بهارستان از طریق مزایده بفروش میرسد مزایده از مبلغ پایه مزایده ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شد و شرکت در مزایده بدوا منوط به پرداخت ۱۰ ٪ مبلغ کارشناسی ملک را به صندوق ثبت بشماره حساب سپرده اداره ثبت به شماره شبا IR۴۸/۰۱۰۰/۰۰۴۰/۵۳۰۱/۳۲۰۷/۵۵۰۳/۸۶ و شناسه ملی ۹۸/۶۱۰۸/۵۵۳۱/۲۰۰۰/۰۰۰۰/۰۰۰۰/۰۰۰۰ و شناسه ۱۴۰۰۰۲۳۰۲۵۷و یا واریز طریق حسابداری اداره ثبت اسناد اخذ تائیدیه حسابداری و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع کند و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فیش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند،، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد.کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد لازم به ذکر است پرداخت بدهی های پارکینگ و مالیاتی و عوارض و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد تاریخ انتشار ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

مرتضی قاسم پور

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائمشهر ۱۳۳۵

شناسه آگهی : ۱۴۸۵۳۷۸

چون آقای **سرمست فتحی** مالک مینی بوس هیوندامدل ۱۳۸۷
به شماره انتظامی ۷۵۲ع۹۳ایران۵۵
با شماره شاسی ۳۷۹۰۱۷۸۷۹۰۹۲۴۳
به شماره موتور۳۷۹۱۲۰۰۸۳۷۵۷۱۸
به علت فقدان سند تقاضای سند المثنی نموده است لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودرو ی مذکور وجود دارد ظرف مدت ۱۵روز از تاریخ نشر آگهی با دردست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایرانخودرو دیزل واقع در تهران کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نمایند.

سند کمپانی **خودرو پژوROA** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ایران ۴۴ - ۱۳۳ د ۱۶ و شماره موتور ۱۱۶۸۵۰۵۷۱۷۴ و شماره شاسی ۶۱۳۱۸۳۱۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰۳۶۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

اخطاریه

به آقایان اکبر محمودی هاشمی فرزند غلام رضا ، محمد علی محمودی هاشمی فرزند اکبر ، سید جلال حسینی فرزند عباس ، سید حسین میرصانع فرزند سید علیرضا و خانمها ربابه صفری منشادی فرزند رضا ، معصومه سادات حسینی فرزند سید عباس فاطمه سادات حسینی فرزند سید عباس، ساجده اله یاران فرزند جاسم ، زهرا حافظی فرزند اکبر ، فاطمه سادات میرصانع فرزند سید علیرضا ، فائزه سادات میرصانع فرزند سید علیرضا ، مرضیه جعفری نژاد فرزند آقاجلال محکوم علیهم دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۰۷۶۵۵۹۳۶ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۷ و اجرائیه شماره ۱۴۰۰۶۸۴۲۰۰۰۰۸۷۲۱۲۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۳ شعبه ۸۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مدرس تهران اخطار می گردد که نظر به اینکه طبق دادنامه های مذکور ملزم به تنظیم سند انتقال نسبت پلاک ثبتی ۲۴۲۷۳۲ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی بخش ۷ تهران به نام آقای ناصر صالحی وزیری شده اید، لذا مقتضی است ظرف مدت ده روز از تاریخ درج اخطاریه در این روزنامه به دفترخانه اسناد رسمی ۱۲۵۲ تهران واقع در نشانی تهران، حکیمیه، بلوار بهار، جنب بانک پارسیان، پلاک ۱۷۴ جهت امضاء ثبت و سند انتقال حاضر در غیر اینصورت با حضور نماینده محترم دادگاه اقدامات لازمه قانونی انجام خواهد شد.

سردفتر اسناد رسمی ۱۲۵۲ تهران – مرضیه ابراهیم زاده میدانی

آگهی دعوت از شرکاء شرکت زمان لجستیک با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۴۲۲۵۲۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۵۲۸۴۸ جهت تشکیل مجامع عمومی فوق العاده و عادی بطور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه شرکاء شرکت دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده ساعت ۰۹:۰۰ و جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده ساعت ۱۱:۰۰ که هر دو جلسه به تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۱ و به آدرس تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان سرافراز، نرسیده به خیابان مطهری، نبش کوچه یکم، برج موج، طبقه ششم، واحد ۲۸ ،کدپستی ۱۵۸۷۶۵۳۱۵۶ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده: اصلاح ماده ۱۸ اساسنامه (دارندگان حق امضا در شرکت) **دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده:** انتخاب اعضای هیات مدیره

مدیر عامل شرکت علی اکبر اینانلو

برگ سبز **خودرو چری TIGGO** رنگ سفید مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۷۷ - ۶۸۷ ق ۳۴ و شماره موتور MVM484FTAG015779 و شماره شاسی NATGBATL4H1012850 به نام **مطهره قناعتی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب فرزاد آقامحمدی** فرزند محمدزمان به شماره شناسنامه ۲۲۲ صادره از ایلام در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی عمران عمران صادره از واحد دانشگاهی آزاد سلماس با شماره ۱۵۸۸۲۵۴۰۰۱۷۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس به نشانی آذربایجان غربی – شهرستان سلماس – بلوار امام رضا – جنب بیمارستان خاتم الانبیاء صندوق پستی ۳۸۶/ ۵۸۸۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب علی رزمجو ششده** فرزند محمدحسن به شماره شناسنامه ۱۸۰ صادره از فسا در مقطع کارشناسی ارشد رشته مهندسی سیستمهای انرژی صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش آذر شهر، پلاک ۲۰۹ و یا کد پستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.